

ارائه مدل ادراکی سیاست‌گذاری در آموزش و پرورش ایران

بهنام طالبی^{۱*}، نیر سیدنظری^۲، حورا سودی^۳

۱. استادیار و عضو هیأت علمی گروه علوم تربیتی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز

۲. دانشجوی دکترای رشته مدیریت آموزشی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز

۳. مدرس دانشگاه فرهنگیان خوی و دانشجوی دکترای رشته مدیریت آموزشی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز

تاریخ دریافت: ۹۵/۰۷/۰۳، تاریخ پذیرش: ۹۵/۱۲/۱۱

چکیده

در دنیای امروز که علم و فناوری با رشد و گسترش وسیع و جهان‌شمول به‌عنوان عامل مهم و اساسی در فرآیند رشد و توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جوامع بشری به حساب می‌آید، نهادها و نظام‌های آموزشی و پرورشی در توسعه علم، فناوری و نوآوری نقش مهمی را به دست آورده‌اند. مهم‌ترین چالش سیاست‌گذاری در آموزش و پرورش در هزاره سوم، سیاست تحول و تبدیل نظام آموزش فعلی به «آموزش و پرورش کارا و اثربخش» است. بررسی عوامل مؤثر بر پیشرفت و توسعه جوامع پیشرفته نشان می‌دهد که همه این کشورها از آموزش و پرورش توانمند و کارآمدی برخوردار هستند. با توجه به اهمیت نظام آموزشی در تربیت انسان‌ها و پیشرفت جوامع، لزوم اتخاذ بهترین سیاست‌ها در شرایط مختلف، ضروری است. از این‌رو در این مقاله با تأکید بر نقش سیاست‌گذاری آموزشی در توسعه علم و فناوری، با استفاده از دیدگاه نظام‌مند و در نظر گرفتن تمامی عواملی که بر دروندادها (تعریف سیاست‌گذاری به‌عنوان یک وظیفه، تدوین انتظارات از سیاست‌گذاری، ساختار و اختیارات قانونی و نیروی انسانی)، فرآیندها (تشخیص، تعریف و تحدید مسئله، تدوین راه‌حل‌های پیشنهادی، تحلیل راه‌حل‌ها و انتخاب بهترین راه‌حل، تصویب راه‌حل یا سیاست اتخاذ شده، اجرا، ارزیابی و بازنگری) و بروندادهای سیستم آموزشی (اثربخشی سیاست و فرآیند سیاست‌گذاری، عدالت آموزشی، اخلاق، نیازها و انتظارات اجتماع، امکان‌سنجی سیاسی) تأثیر می‌گذارند، همچنین تعامل میان نظام آموزشی با دیگر نظام‌ها (اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و غیره) به ارائه مدل ادراکی سیاست‌گذاری در آموزش و پرورش ایران پرداخته شده است.

کلید واژه‌ها: نظام آموزشی، آموزش و پرورش، سیاست‌گذاری، سیاست، مدل ادراکی.

۱- مقدمه

موارد بسیار پیچیده بوده و تحت‌تأثیر مؤلفه‌های بسیاری قرار دارد. یکی از روش‌های رایج برای فهم و بررسی راحت‌تر سیاست‌ها، مدل‌سازی است [۴]. منظور از مدل یا الگو، تصویری است که از واقعیت‌ها و روابط موجود گرفته می‌شود و نمایانگر متغیرهای موجود، نحوه ارتباط آن‌ها و نتایج حاصل از کنش و واکنش آن‌هاست [۵]. مدل‌های سیاست‌گذاری با ارائه چارچوب تحلیلی، درک بهتر عوامل محیطی را فراهم کرده و زمینه‌ساز و تسهیل‌گر شرایط بررسی بیشتر و تحلیل واقع‌بینانه‌تر سیاست‌گذاری می‌شود [۴].

۲- مدل‌های سیاست‌گذاری

مدل‌های سیاست‌گذاری به هفت گروه اصلی تقسیم می‌شوند که بیشتر این گروه‌ها مشتمل بر چندین مدل به شرح زیر هستند:

۲-۱- مدل‌های گروهی

۲-۱-۱- مدل نهادی: سیاست به‌مثابه یک بازده نهایی

فعالیت‌های سیاسی پیرامون نهادهای حکومتی معینی مانند مجلس، ریاست جمهوری، دادگاه‌ها، دیوان‌سالاری، ایالت‌ها، شهرداری‌ها و غیره متمرکز است. سیاست‌گذاری عمومی به وسیله این نهادها به‌طور اقتدارآمیزی، تعیین، اعمال و اجرا می‌شود. ارتباط بین سیاست‌گذاری عمومی و نهادهای حکومتی بسیار نزدیک است. نهادهای حکومتی، سه ویژگی مشخص به سیاست‌گذاری عمومی می‌دهند؛ نخست: حکومت به سیاست‌ها مشروعیت می‌بخشد. دوم: سیاست‌های دولتی، واجد عمومیت هستند. در نهایت، این تنها حکومت است که انحصار اعمال زور در جامعه را داراست [۶]. نهادها ممکن است آنچنان سازمان یافته باشند که اجرای یک سیاست را تسهیل کنند و برای اجرای سیاست دیگر، مانع ایجاد کنند. این نهادها ممکن است به برخی از منافع مشخص در جامعه امتیاز بدهند، در حالی که دیگران را از منفعت محروم سازند.

ویژگی‌های آموزش و پرورش نوین با توجه به پدیده جهانی شدن در این موارد خلاصه می‌شود: آینده‌نگری و آینده‌شناسی. توجه و تأکید جدی به چهار رکن اساسی یادگیری؛ یعنی یادگیری برای زیستن، دانستن، انجام دادن و زیستن با یکدیگر؛ تعلیم و تربیت همه‌جانبه و استفاده از تمام ظرفیت‌های انسانی؛ به‌کارگیری شیوه‌های فعال و مشارکتی در یادگیری؛ تأکید بر ضرورت پرورش تفکر جانبی و تفکر خلاق در دانش‌آموزان؛ تأکید بر ظرفیت روحانی بشر و بهره‌گیری از آن به‌عنوان مکمل ظرفیت عقلانی؛ توجه به ظرفیت یا توانایی شهود و درک شهودی و ضرورت حسن استفاده از آن در تعلیم و تربیت؛ استفاده از فناوری نوین اطلاعات؛ اتخاذ رویکردهای تلفیقی در آموزش و پرورش. هر یک از این موارد می‌تواند شاخصی اساسی برای تعیین میزان کارآمدی نظام آموزشی کشورها محسوب شود [۱]. کارآمد کردن نظام آموزشی مستلزم برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری آموزشی بر مبنای واقعیات است. برنامه‌ریزی و تدوین سیاست‌های آموزشی از جمله فرآیندهایی هستند که می‌توان به کمک آن‌ها از منابع و امکانات کشور، بهره بهتری برد و نظام آموزشی را کارآمد کرد. برنامه‌ریزی آموزشی باید درباره مطلوب‌ترین اقدام برای توسعه نظام آموزشی، پیشاپیش تصمیم‌گیری کند. در این چارچوب وقتی تصمیم خاصی مورد تأیید مقام‌های نظام آموزشی قرار می‌گیرد، به سیاست آموزشی تبدیل می‌شود [۲].

«سیاست‌گذاری عمومی همانند یک چرخه است که در آن مشکلات ابتدا به عنوان یک مسئله مورد توجه قرار می‌گیرند، دوره‌های مختلف عمل بررسی می‌شود، سیاست‌ها تعیین می‌گردند، اجرا و ارزیابی شده و تغییر می‌یابند و در پایان بر مبنای موفقیت یا شکست آن به اتمام می‌رسد» [۳]. تشریح و توضیح سیاست‌گذاری عمومی امری دشوار است، چراکه این فرآیند در بیشتر

شهروندان جامعه جهت اتخاذ تصمیمی که از آن منتفع می‌شوند، گویند. بعنوان مثال انتخاب نمایندگان مجلس به عنوان تصمیم‌گیری اجتماعی شناخته می‌شود. سه نوع تصمیم‌گیری اجتماعی وجود دارد:

۱- فرآیند انتخاب مستقیم شهروندان: که در آن شهروندان مستقیماً در مورد خاصی که مطرح شده اظهار نظر می‌کنند و رأی خود را به درون صندوق می‌اندازند، مثل همه‌پرسی‌ها.

۲- فرآیند تصمیم‌گیری غیر مستقیم: در این روش شهروندان نمایندگانی را انتخاب می‌کنند و آنان در مسائل مطروحه اظهار نظر کرده و تصمیمات نهایی را اخذ می‌کنند، مثل انتخاب نمایندگان مجلس [۸].

۳- فرآیند انتخاب ترکیبی: شاید امروزه عملی‌ترین کار در تصمیم‌گیری‌های اجتماعی انتخاب روش ترکیبی باشد. حکومت‌ها بعضی اوقات جهت تصمیم‌گیری و انتخاب به همه‌پرسی‌ها مراجعه می‌کنند، پاره‌ای اوقات نیز تصمیمات به روش غیر مستقیم صورت می‌گیرد.

۲-۱-۴- روش دلفی

در این روش برای تصمیم‌گیری، گروهی را انتخاب می‌کنند و نظرات آن‌ها را در پرسش‌نامه‌ای جویا می‌شوند. سپس آن را برای تمام اعضای گروه می‌فرستند. این نظرات توسط دیگر اعضا مورد ارزیابی قرار می‌گیرد. به این ترتیب راه‌حلی که بیشترین امتیاز و میزان توافق را کسب کند، به‌عنوان تصمیم اصلح انتخاب می‌شود. از آنجا که در این روش افراد لزوماً یکدیگر را نمی‌شناسند و با هم برخورد چهره‌به‌چهره ندارند، سبب به حداقل رسیدن فشار گروهی و سایه افکندن افکار افراد بر هم می‌شود و افراد فرصت می‌یابند با دیدی بی‌طرفانه به قضاوت بپردازند [۵].

۲-۲- مدل سیستمی

سیاست‌گذاری در قالب سیستم، حاصل داده‌های محیطی و جریانی است که راه‌حلهایی به‌صورت

افراد و گروههای معینی ممکن است تحت شرایط ساختاری مشخص در مقایسه با خصوصیات ساختاری دیگر، از دسترسی بیشتری به امکانات دولتی برخوردار شوند، به عبارتی ساختار نهادهای دولتی ممکن است هم در وضع و هم در اجرای سیاست، نقش فعال و تعیین‌کننده‌ای داشته باشد [۷].

۲-۱-۲- مدل گروهی: سیاست‌گذاری به مثابه حاصل تعادل و تعامل بین گروهی

نظریه گروهی با این هدف آغاز می‌شود که تعامل بین گروه‌ها، اصل اساسی سیاست است. افراد با منافع مشترک، به طور رسمی و غیر رسمی برای تحمیل تقاضایشان به حکومت با یکدیگر متحد می‌شوند. افراد در سیاست تنها زمانی اهمیت می‌یابند که به عنوان بخشی از منافع یا به نمایندگی از گروهی عمل نمایند. گروه، پل اساسی بین افراد و حکومت است. سیاست، کشمکش واقعی بین گروهها برای نفوذ در سیاست‌گذاری عمومی است. نظریه گروهی، تمام فعالیت‌های معنی‌دار سیاسی را در شرایط کشمکش گروهی توضیح می‌دهد. سیاست‌گذاران به طور مداوم در صدد پاسخ به فشارهای گروهی در چانه زنی‌ها، مذاکره‌ها و توافق بین تقاضاهای متفاوت گروههای بانفوذ قرار دارند [۶]. نقطه تعادل از طریق گرایش سیاست بسوی منافع برخی از گروههای ذینفع تعیین می‌شود. مراتب نفوذ به عواملی چون امکانات مالی، قدرت سازماندهی، میزان دسترسی به تصمیم‌گیرندگان بستگی دارد [۸].

۲-۱-۳- مدل تصمیم‌گیری اجتماعی مستقیم و غیر مستقیم

در بررسی فرآیندهای تصمیم‌گیری اجتماعی مسئله اساسی این است که ترتیب اولویت‌های فردی برای جوابگویی به شرایط مشخص معیارها و ضوابط به صورت ترتیب اولویت‌های اجتماعی تغییر یابد. فرآیند تصمیم‌گیری اجتماعی به اجتماع دو نفر یا بیشتر از

ارزیابی در نظر گرفت. دیدگاه فرآیندی، سیاست‌گذاری را مجموعه‌ای از وظایف مرتبط به هم و در کنار یکدیگر می‌بیند که در تلاش برای حل مسئله عمومی یا رفع نیاز جامعه است. البته این مدل مشخص نمی‌کند که تغییر در ارکان تصمیم‌گیری و تغییر فرآیند رسمی یا غیررسمی سیاست‌گذاری، تا چه حد محتوای سیاست عمومی را تغییر می‌دهد. این دیدگاه بیش از آنکه بر محتوا متمرکز باشد، بر ساختار و چگونگی عمل تأکید می‌کند [۸].

۲-۳-۲- مدل گردونه‌ای

یکی از مدل‌های فرآیند سیاست‌گذاری عمومی، مدل گردونه‌ای است که در آن بر نقش قوه مجریه و مدیران آن به‌عنوان سیاست‌گذاران اصلی تأکید می‌شود. اطلاق لفظ گردونه به این مدل بر این مبنا است که سیاست‌گذاری را به‌صورت گردونه‌ای مجسم می‌کند که در محور آن مدیران قوه مجریه و در پیرامونش عوامل دیگر قرار دارند [۵].

۲-۳-۳- مدل مرحله‌ای (چرخه‌ای) جونز^۱

مدل مذکور برای نخستین بار توسط چارلز جونز (۱۹۷۰) ارائه شد. وی بر این باور بود که در صورت شناخت «چگونه بودن» کارکرد دولت است که می‌توان درباره «چگونه باید بودن» آن به ارائه نظر پرداخت. این مدل به تحلیل تنظیم دستور کار سیاست‌گذاری، تحلیل تصمیم، تحلیل اجرا و تحلیل ارزیابی یک سیاست متمرکز می‌پردازد [۳].

۲-۴- مدل‌های سیاسی

۲-۴-۱- مدل فرآیند سیاسی

این مدل عوامل رسمی سیاست‌گذاری را مورد توجه قرار داده و فرآیند کار و فعالیت دو جریان موافق و مخالف سیاست را به‌صورت هم‌زمان تحلیل می‌کند [۴]. مدل سیاسی سیاست‌گذاری، این امکان را به

سیاست بر مبنای مشکلات دریافتی ارائه می‌دهد. ارزش و اعتبار مدل سیستمی، در مطرح ساختن پرسش‌های زیر است:

الف) ابعاد مهم محیط که نیازها را محسوس ساخته و در مقابل نظام سیاسی قرار می‌دهند، کدامند؟

ب) ویژگی‌های مهم سیستم که آن را قادر می‌سازد نیازها را به سیاست عمومی تبدیل سازد و در بلندمدت خود را حفظ کند، کدام است؟

ج) داده‌های محیطی چگونه بر ویژگی سیستم اثر می‌گذارند؟

د) ویژگی‌های سیستم چگونه بر محتوای سیاست‌گذاری عمومی تأثیر می‌گذارند؟

ه) داده‌های محیطی چگونه بر محتوای سیاست عمومی تأثیر دارند؟

و) تأثیر سیاست بر محیط و ویژگی سیستم از طریق بازخورد به چه نحوی صورت می‌گیرد؟ [۸]

نیروهایی که در محیط، سازمان یافته و بر سیستم سیاست‌گذاری اثر می‌گذارند، به‌عنوان دروندادهای سیستم در نظر گرفته می‌شوند. محیط به شرایطی گفته می‌شود که در درون تشکیلات و محدوده سیستم نباشد، اما با آن مرتبط باشد. بازده سیستم، منابع تخصیص یافته به‌صورت تصمیم‌ها و اقداماتی است که به صورت سیاست پدیدار می‌شود [۹].

۲-۳- مدل‌های فرآیندی

۲-۳-۱- مدل فرآیندی

این مدل ناظر بر این دیدگاه است که سیاست‌گذاری در یک مقطع خاص و به‌صورت یک عمل مستقل صورت نمی‌گیرد، بلکه به صورت یک چرخه، فرآیندی را تشکیل می‌دهد که شامل چندین فعالیت و مرحله است [۱۰]. به‌طور خلاصه فرآیند سیاست را می‌توان به‌مثابه مجموعه‌ای از فعالیت‌های سیاسی در قالب مراحل شناسایی مشکل، تدوین راه‌حل‌ها، قانونی کردن، اجرا و

1. Jones cycle model

انجام می‌پذیرد و سایر طبقات، نقش چندانی به‌جز تبعیت و پیروی ندارند [۵]. نخبه‌گرایی اشاره دارد که سیاست‌گذاری عمومی، تقاضاهای مردم را منعکس نمی‌سازد و تا حد زیادی منافع و ارزش‌های نخبگان را مدنظر دارد. بنابراین تغییر و ابداعات در سیاست‌گذاری عمومی، نتیجه بازتعریف نخبگان از ارزش‌های خودشان است. نخبه‌گرایی، توده‌ها را منفعل، بی‌تفاوت و ناآگاه می‌داند. احساسات توده‌ای اغلب توسط نخبگان دستکاری می‌شود نه اینکه ارزش‌های نخبگان تحت نفوذ احساسات توده‌ها باشد. همچنین نخبه‌گرایی بر آن است که نخبگان در اجماع در مورد هنجارهای بنیادین زیربنایی نظام سیاسی شریک هستند. آن‌ها با قواعد بازی و همچنین تداوم نظام اجتماعی موافقت [۶].

۲-۴-۲- مدل مثلث آهنین^۳

مدل مثلث آهنین سیاست را حاصل تعامل سه رأس یک مثلث آهنین می‌داند که در مراحل مختلف با هم تعامل و ارتباط دارند. در این مدل یک سازمان یا مرجع خاص به‌طور مطلق و همیشگی در کار سیاست‌گذاری دخیل نیست. نتیجه و کیفیت ارتباط بین سه نقطه قدرت است که سیاست را شکل می‌دهد. سه رأس این مثلث عبارت‌اند از:

الف) شاخه مجریان: مقامات رسمی درگیر سیاست که غالباً در حوزه‌های خاص سیاست عمومی برای رسیدگی به مسئله شکل‌گیری سیاست حرفه‌ای عمل کرده و حتی از تخصص بیشتری برخوردارند. شاخه مجریان، وظیفه پاسخ‌گویی به مسائل و مشکلات سیاست‌ها را برعهده دارند که شامل وزرا و مدیران سازمان‌ها هستند.

ب) کنگره: کنگره به‌عنوان یک نقطه قدرت در سیاست‌گذاری هم از جنبه نقش داشتن در دستور کار، شکل‌گیری سیاست و بهبود بخشیدن به وضع

پژوهشگران می‌دهد که چگونگی اتخاذ تصمیم‌ها را بررسی کرده و بر شیوه درست تصمیم‌گیری واقف شوند، اما اجازه نمی‌دهد که اساس سیاست عمومی را تعبیر و تفسیر کنند [۱۱]. در مجموع می‌توان فرآیند سیاست را به‌عنوان مجموعه فعالیت‌های سیاسی نظیر تعریف مسئله، دستور کار، طراحی، قانون‌گذاری، اجرا و ارزیابی در نظر گرفت [۶].

۲-۴-۲- مدل جزئی - تدریجی: سیاست به‌عنوان اعمال تغییرات در فعالیت‌های گذشته

چارلز لیندبلوم^۴، نظریه‌ای درباره تصمیم‌گیری ارائه می‌کند که تحت عنوان اینکرمانتالیسم یا «تدریجی‌گرایی» معروف است. در این مدل، سیاست‌گذاری بر مجموعه محدود و دامنه باریکی از گزینه‌ها متمرکز است. مضاف بر اینکه این مدل معتقد به تغییرات اندک، تدریجی و حفظ وضع موجود و تداوم فعالیت‌های گذشته است، نه اهداف انتزاعی بلندپروازانه و تغییرات شدید. در این مدل سیاست‌گذاران ترجیح می‌دهند که با سیاست‌های حاضر همراه باشند تا به استقبال برنامه‌های جدید با پیامدهای نامشخص بروند [۸]. این مدل در وهله نخست متمرکز بر تأثیرات و نتایج کوتاه‌مدت و پیامدهای مهم اجرا است و توجه چندانی بر روش‌های کمی و محاسبه هزینه و فایده ندارد [۱۲].

۲-۴-۳- نظریه نخبگان قدرتمند^۳

یکی دیگر از نظریاتی که با موضوع قدرت در سیاست‌گذاری عمومی در ارتباط است، نظریه نخبگان قدرتمند است. در این نظریه جامعه به طبقه نخبگان، متوسط و ضعیف تقسیم می‌شود. طبقه سیاست‌گذار همان طبقه نخبگان با نفوذ هستند که با وجود اندک بودن، از قدرت بالایی برخوردارند. نظریه نخبگان بیان می‌کند که سیاست‌گذاری در جامعه توسط نخبگان

3. Powerful Elite Theory
4. Iron triangle model

1. Instillation Model
2. Charls Lindblom

مورد نظر خود را وضع کنند. بنا بر این مدل، موضوع سیاست عمومی توسط پادشاه‌سازان مطرح شده و به کمک پادشان و فعالان محقق می‌شود. البته این مدل با مدل نخبگان قدرتمند متفاوت است، زیرا نمی‌خواهد نشان دهد که همه سیاست‌ها مخالف توده مردم است، اما ادعا دارد که سیاست‌ها عموماً در ارتباط با رفاه صاحبان نفوذ در جامعه است.

مدل پادشاه و پادشاه‌سازان نشان می‌دهد که با وجود تلاش‌های صورت گرفته برای کنترل حوزه نفوذ و قدرت افراد، آن‌ها حتی از طریق سیستم‌های رسمی به کار خود ادامه می‌دهند و به علت برخورداری از منزلت سیاسی، توانایی‌های تخصصی، منابع مالی و غیره به راحتی طبقات پایین‌تر را وادار به اطاعت و اجرای سیاست‌ها می‌کنند [۴].

۲-۵-۵- مدل‌های عقلایی

۲-۵-۱- مدل عقلایی (سیاست به مثابه حداکثر دستاورد اجتماعی)

سیاست عقلایی شیوه‌ای است که نتیجه آن کسب حداکثر دستاورد اجتماعی باشد. بنابراین دولت‌ها باید سیاست‌هایی را برگزینند که نسبت منافع اجتماعی آن برای جامعه در مقایسه با هزینه‌های اجرای آن، به بالاترین حد برسد. در واقع، هنگامی می‌توان یک سیاست را عقلایی دانست که میزان ارزش‌ها و مقادیری که به دست می‌آورد از آنچه از دست می‌دهد، بیشتر و نتایج حاصل، از سایر سیاست‌های قابل انتخاب بیشتر باشد. برای انتخاب یک سیاست عقلایی، سیاست‌گذاران باید:

- بر همه اولویت‌های ارزشی جامعه و اهمیت آن‌ها واقف باشند.
- با همه گزینه‌های موجود سیاست آشنا باشند.
- همه پیامدهای ممکن را برای هر گزینه سیاست، پیش‌بینی کنند.

سیاست‌ها، اقتدار موجود را اعمال می‌کند و هم از جنبه بررسی و نظارت بر قانون‌گذاری و نحوه اجرا و بررسی تأثیر سیاست با سایر رئوس در تعامل است.

ج) واسطه‌گری نهایی: همان رهبران سازمان‌های کلیدی مرتبط با سیاست هستند که در درون جامعه مشغول فعالیت‌اند و می‌توانند به واسطه ارتباط با تولید و مصرف و دریافت و تشخیص نیازهای عموم، در جریان سیاست‌گذاری‌ها دخالت کنند؛ همانند انجمن‌های صنفی [۴].

۲-۴-۵- مدل خوشه‌های قدرت

اگدن^۱، با استفاده از ایده مثلث آهنین، مدل خوشه‌های قدرت را مطرح کرد تا بدان وسیله تأثیر و نقش گروه‌های متعددی را تشریح کند که در مراحل مختلف سیاست دخیلند. خوشه‌های قدرت به‌عنوان گروه‌های مرتبط با هم به‌وجود می‌آیند. خوشه‌ها برای تصمیم خاصی شکل می‌گیرند و پس از قانونی شدن سیاست، ادامه روابط قدرت ضرورتی پیدا نمی‌کند. این گروه‌ها ممکن است در شرایط دیگر، در خوشه دیگری قرار گیرند. در این مدل، ضمن آنکه روابط گروه‌ها دوستانه است، سیاست‌ها حاصل چانه‌زنی و پیگیری‌های رهبران و میزان نفوذ گروه‌ها در هر خوشه است [۴].

۲-۴-۶- مدل پادشاه و پادشاه‌سازان^۲

این مدل، قدرت و سیاست را به‌صورت سازماندهی شده در جوامع در یک هرم ترسیم می‌کند. تصمیمی که به‌عنوان سیاست توسط مقامات رسمی و نهادهای سیاست‌گذاری ابلاغ می‌شود، حاصل بازی‌های قدرت و بده و بستان‌های سیاسی است. بازیگران قدرت با اهداف و مقاصد گوناگون تلاش دارند تا با دسترسی به منابع قدرت و جهت دادن به رفتارهای دیگران، سیاست‌های

2. King & Kingmakers Model

1. Ogden, 1971

- نسبت منفعت به هزینه را برای همه گزینه‌ها محاسبه کنند [۸].

مراحل سیاست‌گذاری برمبنای این مدل به این صورت است: تعریف اهداف، درجه‌بندی ارزش‌ها، مشخص کردن ترجیحات، شناسایی تمام گزینه‌های مناسب، محاسبه همه نتایج گزینه‌ها و مقایسه آن‌ها و انتخاب گزینه یا ترکیبی از گزینه‌ها که می‌تواند بیشترین ارزش را به حداکثر برساند [۱۳].

۲-۵-۲- مدل رضایت‌بخش (مدل عقلایی محدود)

انتقادهای درباره نگرش افراطی موجود در مدل عقلایی، تلاش برای ارائه یک مدل جایگزین را به وجود آورد و در نهایت این مدل را هربرت سایمون ارائه داد. سایمون این ایده را رد کرد که «اهداف و ترجیحات را می‌توان به صورت نظام‌مند مشخص کرد و مطلق به‌دست آورد». به نظر وی انتخاب‌ها، قیود و حدودی دارند. خرد انسانی همیشه با دو قید اساسی و اجتناب‌ناپذیر روبه‌رو است: نقص دائمی اطلاعات و عدم امکان بهینه‌سازی در حد کمال مطلوب [۱۴].

مدل رضایت‌بخش بیانگر رفتار تصمیم‌گیری است که باید میان حل یک مشکل و قید و بندهای محیط و نظام‌سازی ایجاد کند. برمبنای الگوی سایمون، کیفیت رضایت‌بخش، مهم‌ترین کیفیتی است که تصمیم‌گیرندگان به آن دست می‌یابند. در واقع تصمیم‌گیرندگان به‌جای جست‌وجوی راه‌حل‌های حداقل و حداکثر، گزینه‌هایی را انتخاب خواهند کرد که اهداف تصمیم‌گیرنده را در حد رضایت‌بخش محقق سازد [۸].

مراحل سیاست‌گذاری برمبنای مدل رضایت‌بخش عبارت‌اند از: شناسایی مشکل یا تعریف هدف، تعیین حداقل‌ها یا استانداردهایی که گزینه‌ها باید با آن منطبق باشند، انتخاب گزینه عملی که مسئله را حل می‌کند، بررسی توان آن در حل مسئله، تعیین اینکه

آیا با حداقل استانداردها و یا سطح رضایت‌بخشی منطبق است یا با تغییر سیاست [۱۵].

از آنجایی که کاربرد مدل عقلایی در سیاست‌گذاری به‌ویژه در خصوص نظام‌های آموزشی همواره با تردیدهایی روبه‌رو بوده، تصمیم‌گیرندگان این حوزه به مدل رضایت‌بخش رغبت بیشتری نشان می‌دهند، زیرا اگرچه سیاست‌گذاران نظام آموزشی خواهان اتخاذ تصمیم‌های بهینه‌ای هستند، این سیاست‌ها به دلیل محدودیت‌هایی مثل کافی نبودن اطلاعات، الزامات رفع تضاد بین سیاست‌گذاران، تشخیص قدرت و غیره تعدیل می‌شوند [۱۶].

۲-۵-۳- نظریه بازی: سیاست‌گذاری به‌عنوان انتخاب عقلایی در شرایط رقابتی

نظریه بازی، مطالعه تصمیم‌های عقلایی در موقعیت‌هایی است که در آن دو نفر ذی‌نفع یا بیشتر، انتخاب‌هایی را انجام می‌دهند و نتیجه، به انتخاب‌های هر یک از طرفین بستگی دارد. شرایط رقابت به‌گونه‌ای است که بازده هر گزینه برای یک طرف، مرتبط به نتایج گزینه طرف دیگر است. در این مدل، بهترین پیامد به کارکرد تصمیم‌گیرنده مقابل وابسته است و سیاست‌گذاران رفتار خود را باید به‌گونه‌ای تعدیل کنند که نه‌تنها بیانگر علایق و توانایی آن‌ها، بلکه نشانگر انتظارات و کارکرد اشخاص دیگر نیز باشد [۸]. نظریه بازی، مدل انتزاعی و قیاسی در سیاست‌گذاری است و توضیح نمی‌دهد چرا افراد واقعاً تصمیم‌سازی می‌کنند، بلکه به دنبال این است که چگونه انسان‌های کاملاً عقلانی باید در شرایط رقابتی تصمیم‌گیری کنند. بنابراین، نظریه بازی، شکلی از عقل‌گرایی است، اما در شرایط رقابتی قابل اجرا است و نتایج به عمل دو یا چند بازیگر بستگی دارد [۶].

۲-۵-۴- مدل انتخاب عمومی

مدل انتخاب عمومی، مطالعه اقتصادی تصمیم‌گیری غیربازاری و کاربرد تجزیه و تحلیل

۲-۵-۶- مدل اجتماعی

این الگو سیاست‌گذاری با تلفیق مدل‌های عقلانی و جزئی - تدریجی، چارچوب کلی تصمیم‌گیری را با توجه به جنبه‌های علم و هنر و متغیرهای اجتماعی ارائه می‌دهد. این الگو با شمول ملاحظات اجتماعی و فلسفی مدیر را قادر می‌سازد تا با درک بهتر از واقعیات دنیای پیرامون به حل و فصل مسائل عمومی بپردازد. در این مدل موضوع اصلی رسیدن به مصالحه سیاسی نیست بلکه تأکید بر درک نظریات مختلف، تجربیات، دانش اجتماعی و فنی، ایجاد و تقویت مسئولیت مشترک می‌باشد. در این الگو همچنین به دانش خبرگان، علم تجربی، احساسات و ارزش‌های طرفهای ذینفع و مشارکت شهروندان در فرآیند سیاست‌گذاری توجه خاصی مبذول می‌شود. این الگو بعنوان ابعادی مناسب جهت رسیدگی به حل مسائل و تغییر به هر دو جنبه توصیفی (آنچه هست) و هنجاری (آنچه که باید باشد) عنایت دارد. فرض سیاست‌گذاران اجتماعی بر پیوند واقعیات و ارزش‌ها برای درک بهتر مقاصد، اهداف اجتماعی و مسائل مربوط به سیاست و فرآیندهای اجتماعی مبتنی است [۸].

۲-۶- مدل ابهام (مدل آشفته)^۱

این مدل را ابتدا کوهن^۲، مارچ^۳ و اولسن^۴ طراحی کردند. این مدل در واقع عکس‌العکس عملی بود در برابر مدل‌های عقلایی و سیاسی که به عقیده کوهن و همکارانش فاقد قابلیت کافی برای تصمیم‌گیری در دنیای پیچیده، بی‌ثبات و پر از ابهام امروز است [۸].

این ابهام‌ها در سازمانهای امروزی که مدل GC از آنها با نام بی‌نظمی‌های سازمان یافته نام می‌برد عبارتند از:

الف) ابهام در اولویت‌ها

ب) ابهام در روابط علت و معلولی

اقتصادی برای سیاست‌گذاری عمومی است. نظریه انتخاب عمومی این تصور را که افراد در سیاست متفاوت‌تر از بازار عمل می‌کنند مورد چالش قرار داده است. این نظریه فرض می‌کند که همه بازیگران سیاست (نظیر رأی‌دهندگان و گروه‌های ذی‌نفع) در جست‌وجوی حداکثر منافع فردی در سیاست به مانند بازار هستند [۸]. نظریه انتخاب عمومی می‌پذیرد که حکومت باید کارکردهای خاصی را انجام دهد که حوزه باز قادر به انجا آن نیست. همچنین نظریه انتخاب عمومی در فهم ما از گروه‌های ذی‌نفع و تأثیرات آن بر سیاست‌گذاری عمومی مؤثر است [۶].

۲-۵-۵- تئوری مدیریت دموکراتیک

استروم با مطالعه نظریه انتخاب عمومی به ارائه " تئوری مدیریت دموکراتیک " می‌پردازد که نوعی استدلال برای تنظیم و توسعه ترتیبات سازمانی چندگانه در بخش دولتی است که بر اساس آن موسسات دولتی با استقلال قابل ملاحظه‌ای عمل می‌کنند و بر سنجش چشمگیر میزان حمایت مشتری یا ارباب رجوع استوارند. در این دیدگاه، ایده سلسله مراتب و تمرکز که محور دائمی مدیریت دولتی اصلی است، به هیچ وجه در همه وضعیتهای کاربرد ندارد. تئوری مدیریت دموکراتیک با حمایت و نوعی تجزیه و تحلیل جدی سیاست بر محدودیت‌های ساختارهای سازمانی موجود متمرکز شده و نهایتاً قادر می‌شود نوعی انعطاف‌پذیری و پاسخگویی را فراهم کند. استروم با پذیرش مفروضات عقلانیت کلاسیک و در عین حال در پیش گرفتن انتخاب عقلایی، به نتیجه‌گیریهای دموکراتیک تری در عرصه سیاست‌گذاری نائل می‌شود [۱۷].

3. March
4. Olsen

1. Garbage Can Model
2. Cohen

نارسایی‌ها و محدودیت‌های "مدل عقلایی" و "مدل جزئی-تدریجی" در سیاست‌گذاری اتخاذ شد. مدل تلفیقی شیوه‌ای ترکیبی است که پدیده و مفاهیم را در تصمیمات عالی و استراتژیک با مسائل سطوح پائین و تدریجی که برای سطوح بالاتر تدارک دیده می‌شود، تلفیق می‌نماید. اصطلاح بررسی به جستجو، جمع‌آوری، پردازش و ارزیابی اطلاعات و همچنین نتیجه‌گیری تمامی عناصری که در خدمت فرآیند تصمیم‌گیری قرار می‌گیرند، اشاره دارد. بررسی تلفیقی همچنین شامل مقرراتی است برای تخصیص منابع در میان سطوح تصمیم‌گیری. شیوه تلفیقی، کمتر به دنبال تمامی راه‌حل‌ها و گزینه‌هایی است که مدل عقلایی در جستجوی آن است ولی در عین حال، راهبرد بهتر و زمینه خلاقیت مناسب تری را نسبت به شیوه جزئی-تدریجی برای تصمیم‌گیرنده فراهم می‌کند. مدل تلفیقی بیشترین سازگاری را با دیدگاه‌های ابتکاری-سازنده دارد. این شیوه سیاست‌گذاری، توانایی و استعداد انسان را برای سازگاری با شرایط متغیر و در حال تحول مساعد تلقی می‌کند [۸].

۲-۷-۲- مدل جریان‌ها و درجه‌ها

در این مدل که نگرشی اقتضایی به سیاست‌گذاری دارد، از سه جریان نام برده می‌شود: الف) جریان مسائل و مشکلات؛ در این جریان، نظر سیاست‌گذار به مسائل جامعه معطوف می‌گردد و پس از شناخت و ارزیابی آن، به فکر یافتن راه‌حلی می‌افتد.

ب) جریان سیاسی: در این جریان، فهرست مسائلی که سیاست‌گذاران باید برای آن‌ها راه‌حلی بیابند تنظیم و تدوین می‌شود. جریان سیاسی، از طریق رقابت‌های سیاسی، بده و بستان‌های گروه‌های ذی‌نفوذ شکل می‌گیرد. این جریان مانع از آن است

ج) ابهام ناشی از اعضای دخیل در فرآیند تصمیم‌گیری: آنان با توجه به علائق، نیروها و زمانی که در اختیار دارند، به جرگه تصمیم‌گیری می‌پیوندند یا از آن جدا می‌شوند [۳].

پیچیدگی و ابهام، سازمانها را وارد وضعیت بی‌نظمی سازمان‌دهی شده می‌کند. در بی‌نظمی سازمان‌دهی شده، سه خصوصیت را می‌توان مشاهده کرد:

اولاً به دلیل ابهام در اولویت‌ها و ناهماهنگی میان آنها، سیاست‌گذاران نمی‌دانند چه می‌خواهند یا به عبارت دیگر خواسته‌های متعددی دارند که با هم جمع‌شدنی نیست. از این رو به جای رفتار بر اساس ارجحیت‌ها، سازمان همراه با عمل، اولویت‌های خود را کشف می‌کند.

ثانیاً سازمان به ادامه بقای خود و تولید، قادر است هر چند که اعضای آن منطق وجودی، تغییر و تبدیلات آن را درنیابند. سازمان به کارکرد خود بر اساس سعی و خطا، تجارب گذشته و ابداع بر اساس ضرورت ادامه می‌دهد.

ثالثاً مشارکت در سازمان، سیال است. مرزهای سازمان باز و بی‌ثبات است و برخی جنبه‌های مشکل را پررنگ کرده و از اهمیت برخی جنبه‌های دیگر می‌کاهند [۱۸]. در چنین وضعیتی سازمان را می‌توان مانند سبدی در نظر گرفت که در آن انواع مشکلات، راه‌حل‌ها، فرصت‌های انتخاب و بازیگران بر اساس ترکیبی پیچیده و غیر منطقی با هم برخورد کرده و بر این اساس، سیاست‌هایی برای پاسخ به تقاضاهای بیرونی به وجود می‌آید [۱۰].

۲-۷-۲- مدل‌های اقتضایی

۲-۷-۱- مدل بررسی تلفیقی^۱

مدل بررسی تلفیقی به عنوان شیوه‌ای اقتضایی برای تصمیم‌گیری، اولین بار در سال ۱۹۶۷ به وسیله آمیتای اتریونی^۲ معرفی شد. این شیوه در قبال

2. Amitai Etzioni

1. Mixed Scanning Model

سیاست‌گذاری و ایده‌هایشان را به سیاست‌گذاران ارائه کنند. بر این مبنای، برخورداری مدیران ارشد از شایستگی‌های حرفه‌ای در جهت پاسخ مناسب به انتظارات از سیاست‌گذاری، ضروری است، چرا که رشد و موفقیت مستمر سازمان در گرو برخورداری از مدیران و رهبران شایسته و کارآمد است.

آنچه در ارتباط با شایستگی‌های مدیران ارشد در انتظارات از سیاست‌گذاری مطرح هست، شایستگی‌های حرفه‌ای آنان می‌باشد. «شایستگی عبارت از مجموعه توانایی‌ها و ظرفیت‌هایی است که دارنده آن را قادر می‌سازد در چارچوب محدودیت‌های درون‌سازمانی و برون‌سازمانی در ایفای نقش و وظایف کاری خود، کارکرد مطلوبی داشته و علاوه بر آن تضمین‌کننده موفقیت سازمانی نیز باشد» [۱۹]. برخی از این شایستگی‌ها عبارت‌اند از: تفکر راهبردی، بصیرت، تفکر سیستمی، تفکر خلاق، تفکر انتقادی.

تفکر راهبردی: تفکر راهبردی بر ترکیب، استفاده از شهود و خلاقیت برای خلق تجسم و تصویری منسجم از سازمان تأکید دارد [۲۰]. تفکر راهبردی را می‌توان به نوعی قدرت درونی و ذهنی در مدیر تعبیر کرد که با بهره‌گیری از آن ضمن در نظر داشتن شرایط محیط و تحولات محیط ناپایدار جهانی اقدام به اخذ تصمیم و برنامه‌ریزی کرده و راهکارهای سازمان خود را در محیط کسب‌وکار ناپایدار و متحول امروز طراحی می‌کند [۲۱]. تفکر راهبردی دو ویژگی عمده دارد: دورنگری و وسعت‌نظر یا همه‌جانبه‌نگری. هر قدر مدیران ارشد از سطح بالایی از تفکر راهبردی برخوردار باشند، احتمال اینکه بتوانند اهداف بلندمدت آموزش و پرورش را ببینند (دورنگری) و تمامی جوانب داخلی و خارجی احتمالی مؤثر بر سیاست‌گذاری و اجرای سیاست‌ها را در نظر بگیرند (همه‌جانبه‌نگری)، بیشتر است.

بصیرت: بصیرت، عامل ایجاد چالش در فرآیند مدیریت است. صاحب‌نظران معتقدند که سازمان‌ها زمانی

که متخصصان تنها با دیدگاه عقلایی محض در جست‌وجوی راه‌حل باشند و با حاکمیت تصمیم‌گیری عقلایی راه را بر ورود عوامل مؤثر محیطی و اجتماعی ببندند.

ج) جریان سیاست: این جریان روی چگونگی حل مسئله متمرکز است و از طریق به‌کارگیری فناوری حل مسئله، روش‌ها و الگوهای تصمیم‌گیری با قانع‌سازی افکار عمومی سروکار دارد. در این جریان، داد و ستد و نفوذ سیاسی مطرح نبوده و اساس کار را استدلال منطقی تشکیل می‌دهد.

زمانی که این سه جریان با هم تلاقی کنند، دریچه‌ای برای حل مشکل باز می‌شود. تلاقی این سه جریان مانع از حاکمیت دیدگاهی مبهم و کلی می‌شود و باعث هماهنگی راه‌حل‌ها و تطبیق آن‌ها با سیاست‌ها و عقاید عمومی و روحیه ملی می‌شود. از همین نقطه است که موضوع در دستور کار رسمی قرار می‌گیرد و فراگرد سیاست آغاز می‌شود [۴].

۳- مدل ادراکی سیاست‌گذاری در آموزش و پرورش ایران

برای ارائه مدل سیاست‌گذاری در آموزش و پرورش باید فرآیند سیاست‌گذاری را به‌عنوان سیستمی که متشکل از درونداد، میان‌داد، برونداد، بازخورد و سیستم‌های احاطه‌گر است، در نظر بگیریم: در داخل سیستم، ابتدا باید سیاست‌گذاری به‌عنوان فرآیندی که مرجع تصمیم یا وظیفه هست، تعریف شود. تعریف سیاست‌گذاری به‌عنوان یک وظیفه، نشان از ایجاد جایگاه قانونی سیاست‌گذاری در ساختار است. سیاست‌گذاری به‌عنوان یک وظیفه، زمینه رویارویی موفق با محدودیت‌ها و استفاده از فرصت‌ها را فراهم می‌کند.

دومین درونداد، تدوین انتظارات مبتنی بر شایستگی از سیاست‌گذاری است. مدیران ارشد با وجود اینکه درگیر سیاست‌گذاری هستند، ممکن است خود بخشی از سیاست‌گذاران باشند یا اینکه چارچوب‌های

تفکر خلاق: تفکر خلاق یعنی راضی نشدن به راه‌حل‌های موجود، زیرسؤال بردن عادت‌ها و نگاهی متفاوت به آنچه که عادت کردیم. برخورداری مدیران ارشد از سطح بالایی از تفکر خلاق، به متفاوت دیدن قضایا و اتخاذ سیاست‌هایی منجر می‌شود که در این سیاست‌ها به امور تکراری پرداخته نمی‌شود. دادن آزادی عمل به کارکنان، مشارکت کارکنان در فعالیت‌ها، ایجاد هماهنگی و تناسب بین کارکنان، ایجاد کانال‌های ارتباطی مستمر، ایجاد انگیزش درونی و برونی، ایجاد جذابیت‌های کاری، پاداش‌های درست و عادلانه، عدم ارزیابی‌های بی‌مورد و انتصاب شایسته کارکنان، از نتایج خلاقیت مدیر در سازمان است [۲۴].

تفکر انتقادی: «تفکر انتقادی عبارت است از کنجکاوی درباره مسائل عادی، صداقت در دلیل آوردن و عقلانیت داشتن، ذهن باز، انعطاف‌پذیری، عدم غرض‌ورزی در ارزیابی، عدم غرض‌ورزی در برخورد با افراد، رعایت احتیاط در قضاوت، تجدید نظر در تفکرات، ساماندهی موضوعات پیچیده، سخت‌کوشی برای دست یافتن به دانش بیشتر، داشتن دلایل محکم در انتخاب معیارها، دقت در پژوهش، پافشاری در جست‌وجوی نظرات» [۲۵]. مدیران ارشد باید بتوانند با رویکرد نقادانه، مسائل را تحلیل کنند. رویکرد نقادانه باعث افزایش انعطاف‌پذیری، توانایی استنتاج یا نتیجه‌گیری از مقدمات، فرضیه‌ها و علائم و توانایی در نظر گرفتن مفروضات بیشتر و راه‌حل‌های متعدد می‌شود.

علاوه بر شایستگی‌های فوق، علوی و مقدم الگویی تلفیقی از شایستگی‌های مدیران منابع انسانی ارائه کردند که در این الگو چهار حوزه شایستگی راهبرد سازمانی، فردی، فنی و دانش کسب‌وکار بر کارکرد مدیران منابع انسانی، مؤثر قلمداد شده‌اند که عناصر هر یک از حوزه‌های شایستگی در جدول (۱) آمده است.

پیشرفت می‌کنند که یک بصیرت قابل فهم، جامع و روشن بین واقعیت و آرمان رابطه ایجاد کند که این باعث می‌شود افراد با یکدیگر همکاری کرده و نقاط ضعف را پوشش دهند. به این ترتیب بصیرت مبنای برنامه‌ریزی قرار می‌گیرد، برای تبدیل آنچه هست و آنچه باید باشد. بصیرت می‌تواند آرمان‌های متعالی مدیران سازمان‌ها را متجلی و برنامه‌های سازمانی را بر آن استوار سازد. بصیرت، مبنای کلیه تصمیم‌های سازمانی است، در صورتی که این تصمیم‌ها مناسب و مؤثر اتخاذ شوند، در تعامل با یکدیگر، چشم‌اندازها و آرمان‌های سازمانی را تحقق می‌بخشند [۲۲]. بصیرت سه وجه عمده دارد: شناخت نسبت به وظایف، اهداف و برنامه‌ها؛ باور به سازگاری برنامه‌ها و وظایف با اهداف سازمان؛ و توانایی تنظیم رفتار متناسب با وظایف تعریف شده. چنانچه مدیران ارشد از بصیرت کافی برخوردار باشند، انتظارانشان از سیاست‌گذاران، بازدهی بالاتری برای سازمان را به ارمغان خواهد آورد.

تفکر سیستمی: تفکر سیستمی می‌کوشد تا درباره تغییراتی بحث کند که در مدیران باید رخ دهد تا بتوانند خود را با شرایط و تحولات سرسام‌آور وفق دهند. در تفکر سیستمی همه افراد درگیر شناسایی و حل مسئله هستند و به این وسیله می‌توانند تجربه‌های جدیدی بیاموزند و امور را بهبود بخشند و بر توانایی خود بیفزایند [۲۳]. تفکر سیستمی یعنی پرهیز از نگاه جزیره‌ای، نگاهی که در عین دیدن تک‌تک همه عناصر سیستم آموزشی، بتواند این عناصر را در ارتباط با هم ببیند. چون نظام آموزش و پرورش ترکیبی است از معلم، کتاب، فضای آموزشی، کارگاه، آزمایشگاه، نیروی اداری، نیروی آموزشی، فرآیند استخدام و غیره، بنابراین نگاه سیستمی می‌تواند به انسجام نگرش در سازمان‌ها کمک کند.

جدول ۱- الگوی تلفیقی شایستگی‌های مدیران منابع انسانی [۲۶]

شایستگی فنی			شایستگی راهبردی سازمانی		
روابط کار	توسعه و آموزش کارکنان	برنامه‌ریزی، انتخاب و به‌کارگیری	توسعه دیگران	مدیریت فرهنگی	رهبری از طریق چشم‌انداز
حقوق و مزایا	بهداشت، سلامت و ایمنی	سیستم اطلاعات مدیریت منابع انسانی	تغییر سریع	بازاریابی کارکردی	تصمیم‌گیری راهبردی
توسعه سازمانی	تحقیقات کارکنان	به‌کارگیری فناوری در منابع انسانی	تحلیلگری کسب و کار رقابتی	عینی‌گرایی ادراکی	مهارت‌های مدیریت گروهی
شایستگی دانش کسب‌وکار			شایستگی فردی		
مهارت‌های عمومی مدیریت	آگاهی سازمانی	آشنایی با فرهنگ ملی و بین‌المللی	مصمم بودن	توجه به کارایی	تلاش برای نتیجه گرفتن از فعالیت‌ها
توجه به راهبردها	دانش صنعتی	آشنایی با تغییرات نیروی انسانی و بافت جمعیتی	صداقت	شبکه‌سازی	دغدغه تأثیرگذار بودن
دیدگاه ارزش افزوده	زنجیره ارزش	آشنایی با برنامه‌ها و قوانین سیاسی و اجتماعی کشور	فعال بودن	مهارت‌های مذاکره	مهارت‌های ارتباطی

درونداد دیگر، نیروی انسانی است. در ارتباط با اینکه چه کسانی قرار است سیاست‌گذاران نظام آموزش و پرورش باشند، ممکن است نیروی انسانی درون سازمانی و برون سازمانی مورد توجه باشد. این کار را می‌توان با کنترل منظم و مستمر مهارت‌ها و تجزیه و تحلیل دستاوردهای حاصل از بررسی مدیریت کارکرد انجام داد. سپس برای یافتن استعدادها مناسب از طریق یک عملیات تبلیغی و از درون سازمان، می‌توان یک شبکه جست‌وجو ایجاد کرد [۲۸].

فرآیند سیاست‌گذاری در آموزش و پرورش مشابه سایر سازمان‌ها است، اما به لحاظ ماهیتی، یکی از تفاوت‌های مهم در این است که سنجش برونداد نظام آموزش و پرورش، همچنین وضعیت نظارت و اندازه‌گیری اثربخشی سیاست‌های آموزشی به دقت و سهولت بخش‌های دیگر مثل بخش صنعت، اقتصاد و درمان نیست. این مسئله ناشی از پیچیدگی‌های نظام آموزش و پرورش است که باعث ایجاد محدودیت‌هایی در ارزیابی سیاست‌های آموزشی توسط سیاست‌گذاران

درونداد بعدی، ساختار و اختیارات قانونی است که باید سیاست‌گذاری در سازمان آموزش و پرورش در ساختار سلسله‌مراتبی سازمان از جایگاه و اختیار قانونی برخوردار بوده و مورد توجه قرار گیرد. جریان تصمیم‌گیری، جریان تصمیم‌سازی، نحوه انتخاب اعضا و سایر مراحل اجرایی، ناشی از جای دادن این وظیفه مهم در ساختار است. این درونداد، امکان مشروعیت‌بخشی به سیاست را فراهم می‌کند.

ساختار، یک چارچوب منظم و هدایت‌کننده را ایجاد می‌کند که به وسیله آن فعالیت‌های سازمان، برنامه‌ریزی، سازماندهی، رهبری و کنترل می‌شوند. ساختار، وظایف و مسئولیت‌ها، نقش‌ها، روابط کاری و کانال‌های ارتباطی را در سازمان تعریف می‌کند. بنابراین ساختار سازمانی را می‌توان این گونه تعریف کرد: الگوی رسمی توزیع منابع، وظایف، اختیارات، مسئولیت‌ها و ایجاد هماهنگی بین افراد و گروه‌ها در جهت تحقق اهداف سازمان [۲۷].

مرحله سیاست‌گذاران بر نحوه اجرا نظارت کرده و حتی ممکن است خودشان نیز مسئول اجرا باشند [۴].

«یک تصمیم سیاسی، تصمیم غایت و سرانجام یک جریان است که در ضمن آن تمام اطلاعات مربوط به تصمیم‌گیری جمع‌آوری شده، تحلیل گردیده و در مجموع یک سیاست بهینه طراحی و انتخاب شده است. علاوه بر این فشارهای سیاسی، اشتباه در شیوه ارزیابی و فشار ناشی از کمبود زمان می‌تواند در این فرآیند اختلال ایجاد کند» [۱]. پس از اجرای سیاست عمومی باید نتایج آن را در عمل مورد ارزیابی قرار دهیم تا اطمینان یابیم که اهداف و رسالت‌های تصمیم موردنظر، تحقق یافته است. ارزیابی اگر به‌درستی انجام گیرد به بهبود سیاست عمومی به‌صورت پویا کمک کرده و فرآیند سیاست‌گذاری را به‌طور دائم اصلاح می‌کند [۸]. با استفاده از ارزیابی می‌توان علاوه بر تعیین میزان کاهش مشکلات، ارزش‌های موجود در یک سیاست‌گذاری را نیز نقد و بررسی کرد. ارزیابی سیاست سبب ارتباط و هماهنگی بین مجریان و سیاست‌گذاران می‌شود و همچنین با اتکا به نتایج به‌دست آمده، اختلاف‌نظر بین آن‌ها کمتر می‌گردد [۳]. ارزیابی فرآیند سیاست‌گذاری و ارزیابی برون‌داد، از طریق اجرای آزمایشی در دامنه محدود، یا اجرای اصلی انجام می‌گیرد که جمع‌آوری اطلاعات می‌تواند به شیوه‌های کمی، کیفی و یا روش‌های ترکیبی باشد. آنچه معیارهای ارزیابی اصلی سیاست‌های آموزشی را تشکیل می‌دهد، اهداف آموزش و پرورش است. اهداف، شاخص‌های ارزیابی سیاست‌ها هستند.

در تحلیل خروجی، به دنبال بررسی تأثیر سیاست اتخاذ شده و فرآیند به‌کارگرفته‌شده در سیاست‌گذاری، همچنین بررسی میزان دستیابی به اهداف هستیم. در این مرحله، ممکن است اثربخشی مجموعه‌ای از سیاست‌های آموزش و پرورش را تک به تک و در ارتباط با هم اندازه‌گیری کنیم. همچنین اندازه‌گیری اثربخشی فرآیند سیاست‌گذاری، بررسی ایجاد برابری و عدالت

می‌شود. این موضوع ناشی از ماهیت خاص نظام آموزشی و سروکار داشتن با انسان به‌عنوان درونداد، مواد اولیه فرآیند تغییر و تبدیل و نیز برون‌داد نظام آموزشی است.

مراحلی که در فرآیند سیاست‌گذاری طی می‌شود، شامل تشخیص مسئله، تعریف و تحدید مسئله؛ تدوین راه‌حل‌های پیشنهادی؛ تحلیل راه‌حل‌ها و انتخاب مناسب‌ترین آن (تنظیم سیاست)؛ مشروعیت‌بخشی یا تصویب سیاست اتخاذ شده؛ اجرا؛ ارزیابی و بازنگری است.

در مرحله شناخت و درک مسئله عمومی، عوامل مؤثر جامعه اعم از سیاست‌گذاران و یا گروه‌های مردمی، مسئله‌ای را متذکر و باعث جلب توجه تصمیم‌گیرندگان می‌شوند [۴].

مدیران برای تعیین راه‌های حل مسائل، تصمیماتی را می‌گیرند که برای این تصمیم‌گیری از منابع اطلاعاتی معتبر استفاده می‌کنند. اطلاعات همواره ابزار انسان‌ها برای شناخت و آگاهی محیط خود و نحوه تعامل با محیط بوده است. امروزه، تغییرات سریع در جوامع، محیط و شرایط محیطی اثرگذار بر سازمان‌ها، به‌کارگیری سیستم‌های اطلاعاتی با ویژگی‌های خاص را برای سازمان‌ها امری ضروری و حیاتی کرده است [۲۹]. سیستم‌های اطلاعاتی یکی از اجزای ثابت سازمان‌ها هستند و به ابزارهایی کلیدی، آنلاین و تعاملی تبدیل شده‌اند که در عملکرد لحظه‌به‌لحظه و تصمیم‌گیری‌های سازمان‌های بزرگ نقش اساسی ایفا می‌کنند. سیستم‌های اطلاعاتی علاوه بر پشتیبانی از تصمیم‌گیری، هماهنگی و کنترل، به مدیران و کارمندان نیز کمک می‌کنند تا مسائل را تحلیل کنند، موضوعات پیچیده را مصورسازی (مدل‌سازی) کنند و محصولات جدیدی ایجاد نمایند [۳۰].

در مرحله اجرا، سازمان‌های مسئول اجرای سیاست، با تدارک امکانات و تمهید مقدمات لازم، سیاست را مطابق آنچه تصویب شده است اجرا می‌کنند. در این

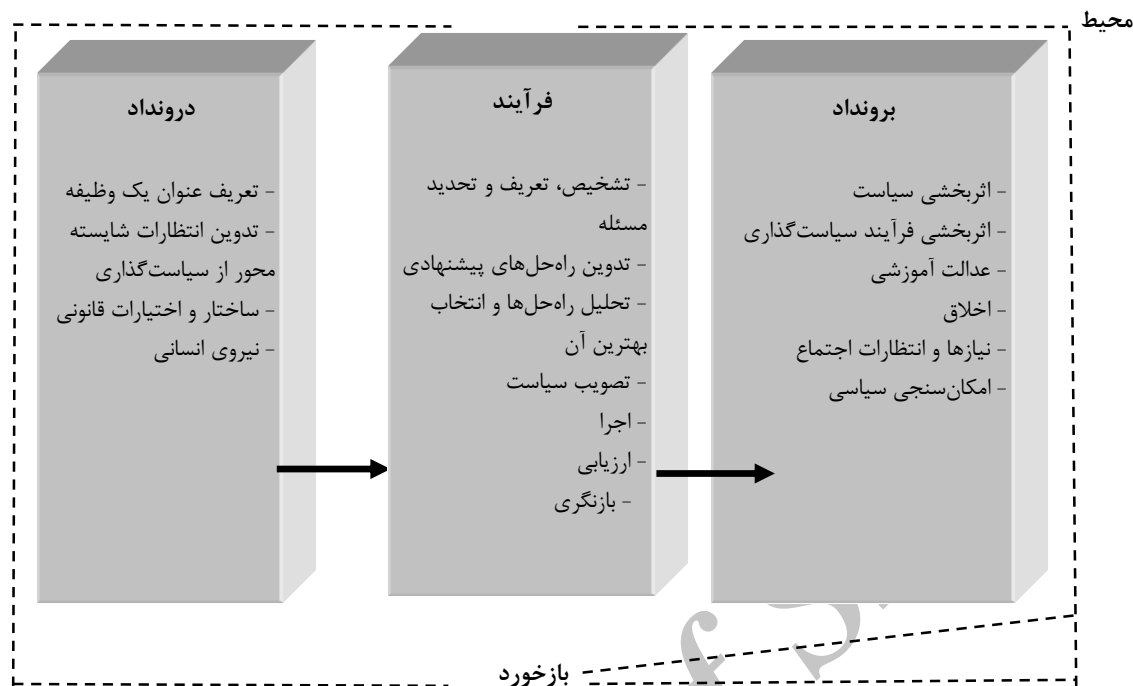
جامعه‌شناختی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و غیره مرتبط است.

آموزش و پرورش یکی از نهادهای اجتماعی است که با ماهیت انسانی، تکوین شخصیت فرد و زندگی اجتماعی رابطه مستقیم دارد و با هر گونه تحرک و دگرگونی اجتماعی در تعامل است [۳۱]. چون آموزش و پرورش پدیده‌ای است که آشکار یا نهان در تمام ارکان و نهادهای اجتماعی جای دارد و از راه تأثیرات متقابل در کل نظام اجتماعی نفوذ می‌کند، پس فراگرد آن متضمن ترکیبی از روابط و کشش‌های متقابل اجتماعی است. بر این مبنا، سیاست‌گذاری درباره نظام‌های آموزشی و پرورشی نمی‌تواند بی‌اعتنا به شرایط اجتماعی در سطح ملی و جهانی باشد. یکی از عوامل بسیار مهم تأثیرگذار در سیاست‌گذاری نظام آموزشی، عوامل اقتصادی حاکم بر جامعه است. عوامل فرهنگی به مجموعه‌ای از سنت‌ها، ارزش‌ها، هنجارها، باورها، نگرش‌ها و بینش‌های جامعه گفته می‌شود که از نسلی به نسل دیگر منتقل می‌گردد و آموزش و پرورش در انتقال آن‌ها به آیندگان نقش عمده‌ای دارد، بنابراین در سیاست‌های کلان به این موارد اهمیت داده می‌شود. همچنین «نظام آموزشی در درون نظام سیاسی قرار گرفته و از آن کاملاً تأثیر می‌پذیرد» [۳].

آموزشی از طریق اجرای سیاست‌های آموزشی، بررسی توسعه و ترویج اخلاقیات در جامعه، بررسی نیازها و انتظارات اجتماع (تناسب نیروی تربیت شده با نیاز بازار کار و توجه به ارزش‌ها و انتظارات اجتماع شامل والدین، اقشار مختلف اجتماع، محیط‌زیست، میراث فرهنگی، کاهش آسیب‌های اجتماعی)، بررسی میزان امکان سیاسی مورد توجه قرار می‌گیرند.

برای آگاهی از نتیجه عملی سیاست در جامعه و اثربخشی آن در حل مشکلات، طرح پرسش‌هایی از این قبیل راهگشا است:

- سیاست تصویب شده در عمل تا چه حدی مشکلات را تخفیف داده است؟ و چه تأثیراتی بر سایر سیاست‌ها بر جای گذاشته است؟
- مردم تا چه میزان از سیاست تصویب شده آگاهی و اطلاع دارند؟ و درباره سیاست تصویب شده چه نظری دارند؟
- سیاست تصویب شده از نظر ارزشی در جامعه تا چه حد مقبولیت یافته است؟ در عمل چقدر نظر موافق کارشناسان را جلب کرده است؟ و چه هزینه‌ها و نتایجی را به دنبال داشته است؟ [۳].
- سیاست‌گذاری در نظام‌های آموزشی حالتی نظام‌مند دارد که با مؤلفه‌های دیگری نظیر عوامل



نمودار ۱- مدل مناسب سیاست‌گذاری در آموزش و پرورش ایران

تبدیل شود، همه افراد در تشخیص و حل مسائل درگیر بوده و سازمان می‌تواند تجربه‌های جدیدی بیاموزد و توانایی‌های خود را افزایش دهد. دولت‌ها با تقویت یادگیری سیاست‌ها، قابلیت‌های خود را در زمینه خلاقیت، نوآوری و تحول ارتقا می‌دهند و دیدگاه‌های جدیدی نسبت به اداره امور عمومی پیدا خواهند کرد [۳]. بنابراین مدل سیاست‌گذاری فوق با الهام و بهره‌گیری از نقشه جامع علمی کشور و استفاده از دیدگاه سیستمی در جهت:

- اصلاح ساختارها و نهادهای علم و فناوری و انسجام بخشیدن به آن‌ها و هماهنگ‌سازی نظام تعلیم و تربیت، در مراحل سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی کلان (راهبرد کلان ۱ سند نقشه جامع علمی کشور)؛ ایجاد هماهنگی در سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی در بین دوره آموزش رسمی عمومی، آموزش مهارتی و حرفه‌ای و آموزش عالی به منظور تداوم فرآیند فعالیت‌های تعلیم و تربیت و ایجاد هماهنگی میان نظام تعلیم و تربیت رسمی

۴- کاربرست مدل سیاست‌گذاری در آموزش و پرورش در توسعه علم و فناوری و نوآوری

در جهان کنونی، علم و فناوری از جایگاه بسیار مهم و راهبردی برخوردار است و برای رشد و پیشرفت همه‌جانبه کشور، نیازمند توجه ویژه به مقوله علم، فناوری و نوآوری در حوزه‌های سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی هستیم. نظام آموزش و پرورش، یکی از لوازم سیاست‌گذاری نظام علم و فناوری است و نقشه جامع علمی کشور، رکن اساسی سیاست‌گذاری نظام آموزشی ایران بوده و محورهایی همچون سمت‌گیری دانش به سوی عمل و کاربردی کردن آن بر مبنای نیازهای کشور، تکمیل زنجیره علم و فناوری، نگرش سیستمی به مقوله تولید دانش، تولید علم و شکستن مرزهای دانش و غیره در این سند مورد توجه قرار گرفته شده است.

نظام‌های یادگیرنده، یک الگوی تغییر یافته برای سیاست‌گذاری و راهی نوین برای اندیشیدن در عصر دانش است. اگر سیاست‌گذاری به نظامی یادگیرنده

- تربیت و توانمندسازی سرمایه انسانی با تأکید بر پرورش انسان‌های متقی و کارآفرین و خودباور و خلاق و نوآور و توانا در تولید علم و فناوری و نوآوری متناسب با ارزش‌های اسلامی و نیازهای جامعه (راهبرد کلان ۸ سند نقشه جامع علمی کشور)؛ و ارتقای نظام مشاور و استعدادیابی و هدایت تحصیلی کشور؛ بهبود هرم ترکیب نیروی انسانی نظام به‌منظور تحقق برنامه‌های رشد و توسعه نهادهای آموزشی و پژوهشی (راهبرد ملی ۱، ۲ سند نقشه جامع علمی کشور) [۳۲]؛ با در نظر گرفتن عناصر مربوط به درونداد، فرآیند و بروندادهای نظام آموزشی؛ در جهت دستیابی به آموزش و یادگیری مادام‌العمر با استفاده از نهادینه‌سازی مدیریت دانش از طریق اتخاذ سیاست‌های مرتبط؛ توسعه علم، فناوری و نوآوری به واسطه استفاده از سرمایه انسانی دانشی و افزایش جریان دانش و فناوری، طراحی و ارائه گردیده است.

۵- جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

مهم‌ترین چالش سیاست‌گذاری در آموزش و پرورش در هزاره سوم، سیاست تحول و تبدیل نظام آموزشی فعلی به آموزش و پرورش کارا و اثربخش است. کارآمد کردن نظام آموزشی مستلزم برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری آموزشی بر مبنای واقعیات است. برنامه‌ریزی و تدوین سیاست‌های آموزشی از جمله فرآیندهایی هستند که می‌توان به کمک آن‌ها از منابع و امکانات کشور، استفاده مطلوب‌تری به عمل آورد و نظام آموزشی را کارآمد کرد. برنامه‌ریزی آموزشی باید درباره مطلوب‌ترین اقدام برای توسعه نظام آموزشی، پیشاپیش تصمیم‌گیری کند. تصمیم‌هایی که امروز اتخاذ می‌شوند، باید توجه خاصی به آنچه در پیش‌رو است، داشته باشند. مدل‌های سیاست‌گذاری با ارائه چارچوب تحلیلی، درک بهتر عوامل محیطی را فراهم

و غیررسمی در کشور و کاهش فاصله مرزهای میان آن‌ها. (راهبرد ملی ۹ و ۱۱ سند نقشه جامع علمی کشور)؛

- نهادینه‌سازی مدیریت دانش و ابتنای مدیریت جامعه بر اخلاق و دانش بر مبنای الگوهای ایرانی- اسلامی در نهادهای علمی، اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و دفاعی- امنیتی (راهبرد کلان ۴ سند)؛ پیاده‌سازی فرآیند مدیریت دانش و اطلاعات در نهادها و دستگاه‌های مختلف؛ و ارتباط مستمر و هم‌افزا در بین سه جریان تولید و انتشار و کاربرد و توسعه دانش و تقویت فرآیند تبدیل ایده به محصول (راهبردهای ملی ۱ و ۲ سند نقشه جامع علمی کشور)؛

- تحول و نوسازی نظام تعلیم و تربیت اعم از آموزش و پرورش و آموزش عالی به منظور انطباق با مبانی تعلیم و تربیت اسلامی و تحقق اهداف کلان نقشه (راهبرد کلان ۶ سند نقشه جامع علمی کشور)؛ افزایش دسترسی همگانی به آموزش؛ ارتقای بهره‌وری و تقویت بنیه مالی نظام آموزش و پرورش؛ تحول در نگرش‌ها و روش‌ها و محتواهای آموزشی بر مبنای جهان‌بینی و تعلیم و تربیت اسلامی به‌منظور ارتقای توانایی‌ها و تقویت تفکر منطقی و خلاق و جست‌وجوگر در دانش‌آموزان و دانشجویان منطبق با آموزه‌های اسلامی در زمینه‌های فردی و خانوادگی و اجتماعی؛ بالا بردن توان مدیریت منابع انسانی و ارتقای صلاحیت علمی و حرفه‌ای و منزلت اجتماعی و سطح معیشتی معلمان؛ اصلاح و تقویت سازوکار مدیریت مدارس به منظور ارتقای کارآمدی آن‌ها؛ ارتقای نقش و جایگاه خانواده در تعلیم و تربیت (راهبرد ملی، ۵، ۶، ۷، ۸، ۹ و ۱۰ سند نقشه جامع علمی کشور)؛

- فصلنامه مطالعات راهبردی، سال یازدهم، شماره اول، شماره مسلسل ۳۹، صص ۷۳-۴۳.
- [7] Howlett, M. and Ramesh, M., 2003, "Studying Public Policy: Policy Cycles and Policy Subsystems", Oxford University Press, USA, 2 Edition, pp. 327.
- [۸] الوانی، سیدمهدی و شریفزاده، فتاح. (۱۳۸۶). «فرآیند سیاست‌گذاری عمومی». تهران: دانشگاه علامه طباطبائی، صص ۱۲۰-۲۲.
- [9] Jones, B. D. and Baumgartner, F. R., 2005, "A Model of Choice for Public Policy", Journal of Public Administration Research and Theory, Vol. 15, No. 3, pp. 325-351.
- [10] Gupta, D. K., 2001, "Analyzing Public Policy: Concepts, Tools, and Techniques", Publisher CQ Press, pp. 43-189.
- [11] Ewalt, Jo Ann G., 2001, "Theories of Governance and New Public Management: Links to Understanding Welfare Policy Implementation", Prepared for Presentation at the Annual Conference of the American Society for Public Administration, Department of Government Eastern Kentucky University, pp. 127.
- [12] Milkovich, M. E. and Gordons, G. J., 2001, "Public Administration in America", (7 Ed), Boston, Bedford, pp. 122.
- [13] Tansy, S., 2003, "Politics, The Basics", London, Routledge, pp. 89.
- [۱۴] الوانی، سید مهدی؛ پور سید، بهزاد و هادی پیکانی، مهربان. (۱۳۸۸). «مروری بر مدل‌های سیاست‌گذاری در نظام آموزش عالی». مجلس و پژوهش، سال ۱۵، شماره ۵۹، صص ۱۰۱-۷۳.
- [15] Guseh, J. and Clayton. M., 2004, "Quality and Complexity- lessons from English Higher Education", International Journal of Quality and Reliability Management, Vol. 16, No. 9, pp. 838 - 858.

کرده، زمینه‌ساز و تسهیل‌گر شرایط بررسی بیشتر و تحلیل واقع‌بینانه‌تر سیاست‌گذاری می‌شوند. سازمان‌های آموزشی از جمله آموزش و پرورش همچون سایر سازمان‌ها تحت تأثیر جریان‌های اجتماعی و بین‌المللی نظیر عوامل و نظام‌های اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، فرهنگی، و غیره بوده، همچنین در تعامل با نظام‌ها و عوامل یاد شده می‌باشند، بنابراین برای ارائه مدل سیاست‌گذاری در آموزش و پرورش ایران، نیازمند دیدگاه سیستمی هستیم. به عبارتی برای اتخاذ تصمیم و سیاست‌های آموزشی باید تمامی عواملی که بر درون‌دادها، فرآیندها و برون‌دادهای سیستم آموزشی تأثیر می‌گذارند، همچنین تعامل میان نظام آموزشی با سایر نظام‌ها در نظر گرفته شوند.

منابع

- [۱] نادری، ناهید؛ نوروزی، رضا علی و سیادت، سید علی. (۱۳۹۰). «سیاست‌گذاری در آموزش و پرورش». چاپ اول، اصفهان: نشر آموخته، صص ۴۱-۱۵.
- [۲] بازرگان، عباس. (۱۳۷۱). «نظام اطلاعاتی برای برنامه‌ریزی و تحلیل سیاست‌های آموزشی». فصلنامه تعلیم و تربیت، شماره ۳۲، صص ۶۰-۴۱.
- [۳] نیازآذری، کیومرث؛ اسماعیلی‌شاد، بهرنگ و ربیعی، مجید. (۱۳۹۰). «سیاست‌گذاری و فرآیند سیاست عمومی در نظام آموزشی». چاپ اول، قائم شهر: انتشارات مهرالنبی، صص ۲۳۶-۵۶.
- [۴] دانش‌فرد، کرم‌الله. (۱۳۸۹). «فرآیند سیاست‌گذاری عمومی». تهران: دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات، صص ۱۶۸-۱۹.
- [۵] الوانی، سید مهدی. (۱۳۸۷). «تصمیم‌گیری و تعیین سیاست دولتی». تهران: سمت، صص ۱۳۰-۵۲.
- [۶] دای، تامس. (۱۳۸۷). «مدل‌های تحلیل سیاست‌گذاری عمومی». ترجمه سویل ماکویی،

- Exploration and Exploitation”, J. Technol. Manag. Innov, Volume 4, Issue 1, pp.48-58.
- [۲۵] کرمی، مرتضی؛ رجائی، ملیحه و نامخواه، مرضیه. (۱۳۹۳). «بررسی میزان گرایش به تفکر انتقادی در معلمان مقطع متوسطه و نقش آن در سبک تدریس آنان». پژوهش در برنامه‌ریزی درسی، سال یازدهم، دوره دوم، شماره ۱۳ (پیاپی ۴)، صص ۳۴-۴۷.
- [۲۶] علوی، سید بابک و مقدم، کاوه. (۱۳۸۶). «نقش توسعه استاندارد شایستگی در حرفه‌ای‌تر شدن مدیریت منابع انسانی». مجموعه مقالات سومین کنفرانس توسعه منابع انسانی. صص ۱۳۷-۱۱۸.
- [۲۷] شیرازی، علی. (۱۳۹۲). «مدیریت آموزشی: تئوری، تحقیق و کاربرد». چاپ دوم، ویرایش دوم، تهران: مؤسسه کتاب مهربان نشر، ص ۹۰.
- [۲۸] آرمسترانگ، مایکل. (۱۳۸۱). «مدیریت استراتژیک منابع انسانی (راهنمای عمل)». ترجمه سید محمد اعرابی و داود ایزدی، چاپ دوم، تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی، ص ۲۴۳.
- [۲۹] صراف‌زاده، اصغر. (۱۳۹۰). «سیستم‌های اطلاعات مدیریت: نگرش راهبردی». چاپ هشتم، تهران: انتشارات ترمه، ص ۹۲.
- [۳۰] لاودن، کنت سی و لاودن، جین پی. (۱۳۹۳). «سیستم‌های اطلاعاتی مدیریت». ترجمه سید مجتبی حسینی و سید اکبر مصطفوی، چاپ پنجم، ویراست یازدهم، تهران: دانش بنیاد، صص ۱۷-۱۲.
- [۳۱] گلشن فومنی، محمدرسول. (۱۳۸۰). «جامعه‌شناسی آموزش و پرورش». تهران: نشر روان، ص ۸.
- [۳۲] «سند نقشه جامع علمی کشور». (۱۳۸۹). صص ۲۳-۴۴.
- [16] Roberg, R. and Bonn. S., 2004, “Higher Education and Policing: Where are we now?”, Policing: An International Journal of Strategies and Management, Vol. 27, No. 4, pp.469 – 486.
- [۱۷] دنهارت، رابرت بی. (۱۳۸۲). «تئوری‌های سازمان دولتی». ترجمه الوانی و دانایی‌فرد. تهران: صفار، صص ۲۴۲-۲۴۰.
- [18] Fischer, F. Miller, G. J. and Sidney, M. S., 2006, “Handbook of Public Policy Analysis: Theory, Politics and Methods”, Publisher CRC, 1 Edition, pp.165-168.
- [۱۹] صائمیان، صدیقه. (۱۳۸۷). «شایستگی‌های نوین سرمایه‌های انسانی در سازمان‌های پیشرو». دومین همایش مدیران آموزش سازمان‌های تولیدی و خدماتی، تهران، سال نوزدهم، شماره ۱۳۴-۱۳۳، صص ۱۴-۱۰.
- [20] Mintzberg, H., 1994, “The fall and rise of strategic planning”, Harvard Business Review, January-February, pp. 107-114.
- [۲۱] مسگریان، هومن. (۱۳۹۱). «تفکر استراتژیک، کارکردها و چالش‌ها». نهمین کنفرانس بین‌المللی مدیریت استراتژیک، منتشر شده در وب سایت پروژه دات‌کام، صص ۱۱-۱.
- [۲۲] حیدری تفرشی، غلامحسین؛ خدیوی، اسدالله و یوسفی، رضا. (۱۳۹۰). «تئوری‌های سازمان و مدیریت در دنیای پسامدرن». چاپ اول، تهران: فرهنگ سبز، ص ۸۴.
- [۲۳] محمدخانی، کامران؛ رشادت‌جو، حمیده و روحانی‌پور، معصوم. (۱۳۹۱). «بررسی رابطه تفکر سیستمی و میزان خلاقیت مدیران مدارس متوسطه دخترانه آموزش و پرورش شهر تهران و تأثیر آن بر آینده‌پژوهی». فصلنامه پژوهش‌های مدیریت، ویژه‌نامه شماره ۹۶، صص ۶۳-۵۱.
- [24] Pandey, Sh. And Sharma, R.R.K., 2009, “Organizational Factors for

Presentation perceptual policy making model of education in Iran

B. Talebi¹, N. Seyednazari, H. Soodi

Abstract

In today's world where science and technology with the broad and universal development is considered as an important and fundamental factor in the process of economic, social and cultural development of human societies, educational and training systems have earned a major and important role in developing of science, technology and innovation. The greatest policy making challenge in education in the Third Millennium, is the policy of evolution and transformation of the current educational system into the "effective and efficient education". Study of the factors affecting the development of advanced societies show that all these countries have an efficient and qualified education system. Considering the importance of the educational system in human training and development of communities, it is necessary to adopt the best policy in different conditions. Hence, this paper with the emphasis on the educational policy making provides perceptual model for policy making in Iran's educational system using a systemic approach and taking into account all the factors affecting the input (definition of policy making as a duty; formulation of policy expectations; legal structure and authority; manpower), processes (recognition, definition and delimitation of the problem; developing suggested solutions; analysis of solutions and choosing the best solution; approval of solution or adopted policy; implementation; evaluation; review) and outputs of the education system (effectiveness of policies and policy-making process; educational justice; ethics; needs and social expectations, political feasibility), as well as the interaction between the education system and other systems (economic, social, political, cultural, etc.).

Keywords: education system, education and training organization, policymaking, politics, perceptual model